

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

جیلانی لیب

۰۴.۰۷.۱۰

افغانستان در سال ۱۹۸۲ میلادی از یونسکو سازمان آموزشی ، علمی و فرهنگی وابسته به ملل متحد تقاضا نموده بود تا منار جام در غور ، تندیس های بودا در بامیان ، حوزه باستانی آی خانم در تخار و ساحة باستانی شهر هرات را در فهرست آثار فرهنگی جهان- میراث بشریت جای دهد . از آن شمار منار جام در سال ۲۰۰۲ میلادی و دره بامیان با جایگاه تندیس های ویران شده بودا در سال ۲۰۰۳ میلادی به حیث آثار فرهنگی جهانی پذیرفته شدند. یونسکو گفته است زمانی ساحة باستانی شهر هرات را به عنوان آثار فرهنگی جهانی می پذیرد که جاده کنار منار های مصلای هرات ، برای رفت و آمد موتر ها دیگر مورد استفاده قرار نگیرد و از اعمار ساختمانهای بلند و جدید در قسمت هائی از شهر قدیم هرات و مناطق مشرف بر آن جلوگیری شود. یونسکو افزوده است در صورتی که مقامات محلی هرات موفق به ممیزی و واریسی ساخت و ساز بنا های جدید در این شهر کردند در تصمیم خود تجدید نظر خواهد کرد.

قابل یادآوریست که بخش اول این نوشته، ترجمه قسمت های کتاب Jan Mydral است از زبان آلمانی به نام Kreuzweg der Kulturen با اسنادی که به احتمال زیاد برای بار نخست در دسترس فارسی زبانان قرار می گیرد. این کتاب را که در اصل به زبان سوئدنی زیر عنوان kulturers korsväg نگاشته شده است، به بیشتر زبان های زنده جهان برگردانیده اند.

جیلانی لیب

گنجینه های فرهنگی جهان

منار ها و مصلای هرات

افغانستان

“هیچ کسی نمیتواند ادعا بکند که يك اثر هنری، يك ساختمان معین و يا يك شهر، بهترین هم مثلانش در سراسر دنیاست. چنین سخنی خلاف انسانیت و هنر دوستی خواهد بود، آرمان گرایی نادرست و مطلقیت بخشیدن به هنر. اما حق داریم بگوئیم که يك اثر هنری، يك بنا و يا يك شهر در شمار بهترین های تمام دنیاست، زیرا زیبایی متغیر، متفاوت و با گوناگونی اش انسانیست.

منطقه ها و شهر های کمی برایم از شمار زیباترین هاینند: ستهلم، شهری که آدم می خواهد همیشه آنجا برگردد از زیباترین هاست و شهر خرمائی رنگ گلی کوردوبا یا قرطبه، لنینگراد (سن پترزبورگ امروزی) واقع در سواحل دریای بالتیک با خیابان های شفاف و روشنش از زیباترین شهر های جهانست در شفق تابستانی آن دیار، نیویارک در خزان با جاده های نمناک آبگینه گون ویر از دحامش، برگ های سرخ رنگ بر زمین افتاده درختان پارک های او، دریای هودسن **Hudson** مه آلودش با لمس مشام شهری وی و هرات.

زیبائی های هرات را هر کسی که پس از عبور دشت ها وارد آن می شود و چمن های سرسبزش را با آثار آبی رنگ سر به فلک کشیده دوران تیموری او می نگرَد، در سینه اش لمس می کند. ظهیرالدین محمد بابر فاتح هند در خاطر اش نگاشته است:

”تمام جهان متمدن شهر دیگری همچون هرات نمی شناسد.“ آری، کسی که هرات دوران یکصد ساله تیموریان را یکبار دیده بود، با همه غنای هندوستان، نمیتوانست این شهر را فراموش بنماید.

هرات شهریست رؤیائی، رؤیائی که واقعیت دارد. هرات شهریست باستانی، معروف و مورد اختلاف. زمانی که اسکندر مقدونی، فاتح هخامنشیان، جهت دیدار منطقه های تازه به دست آورده اش ازینجا میگذشت، هرات شهری بود کهن. وی بنیاد يك شهر ”الکساندریه“ را اینجا هم گذاشت و به دنبال تاریخ جهان روان گشت، اما هرات همچنان باقی ماند و زندگی را در خود پرورد.... هرات بار ها زیر تسلط دیگران درآمده، با خاک یکسان گردیده و از سر آباد شده است. جاده های هرات که زمان یادبودش در اوستای زردشت، شهری کهن و دارای سنت ها و رسم و رواج ها بود، مثل همیشه پُر جوش و خروش و زندگیست.

فاتحان هرات، سد ها را تخریب نمودند، چشمه ها را بستند، آبراه ها را ویران ساختند و کاریز ها را مسدود نمودند، اما هیچ کسی نتوانست این دره ئی هریرود را به دشت تبدیل کند. هرات با وجود همه جفا ها، مرکز اداری و اقتصادی يك ولایت زراعتی غنی و مرفه باقی ماند. از دیرینه های دور اینجا مرکز تقاطع راه های بازرگانی بوده است. با تغییر هر فاتحی بر مقام و منزلت هرات افزوده شد و بر خرابه های شهر بار دیگر ویران گشته، “آریانان” دوباره اعمار و آبادتر گردید. هرات دورانی مرز فرهنگی، اقتصادی و علمی يك حوزه بزرگ بود....

بر اهمیت هرات پس از پیروزی اسلام بالای این شهر به عنوان يك دژ مستحکم مذهبی و فرهنگی افزوده گشت. مهاجرت ها و امپراتوری ها بر دفتر کهن تاریخ این منطقه رقم خورده است. هرات اما همچنان شهری باقی ماند که بود: غنی، فرهنگی و مرفه.

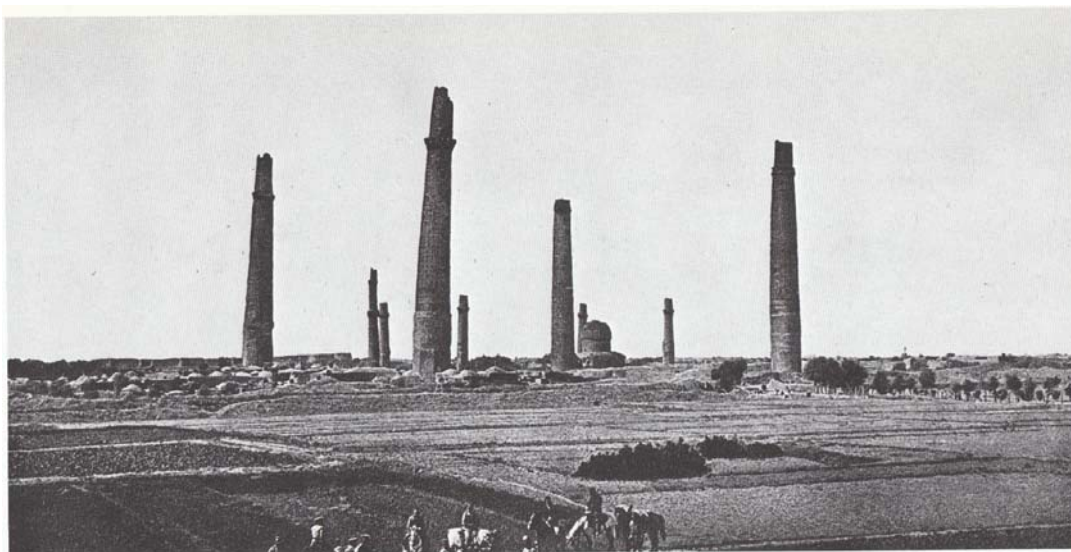
هراتیان، جهان دیده اند و جهانی می اندیشند. دانشمندان اش با همه دنیا سر و کار داشته اند و دارای دوستانی بودند از سراسر گیتی....

هرات شهری بوده است با مدارا و پر قدرت با فرهنگی شکوفا و بردبار. مسیحیت نستوری **Nestorian** درین شهر دارای اسقف جداگانه خود بود، بدون هیچگونه تعقیب و پیگیری. یگانه مسئولیتش پرداخت مالیه بود و بس....

در خزان ۱۸۸۵ میلادی به فرمان مؤکد ملکه انگلستان بایستی مصلاى هرات را ویران مینمودند و يك برج و بارو جایگزین آنها میشد. صاحب منصبان انگلیس سرگرد ها (جگرن ها) **Holdich** و پیکوک **Peacock** مسؤولان انجام این عمل بودند. زمانی که انگلیس تخریب منارهای هرات را به تصویب رسانیده بود، سرگرد (جگرن) **Yates** یکی از مسؤولان اصلی عمل این کار به تاریخ سی جولای همان سال چنین نوشت:

”ازین زیبایی ها برای نسل های آینده تنها يك یادبود باقی خواهد ماند.“ شهروندان هرات به دولت رجوع کردند و از یونسکو * کمک خواستند، تا هنر مهندسی عصر تیموریان را برای جهان نگهداری کنند، اما کسی به آنجا نیامد. هولیش و پیکوک به تاریخ هشتم نوامبر ۱۸۸۵ میلادی گزارش دادند:

” عملیات موفقانه انجام پذیرفت ، مصلا و مدرسه منفجر گردیدند.“ یاتیس، افسر نظامی انگلیس مینگارد:



” زمانی که ما با قشون هرات را ترک میکردیم، از کنار مصلا عبور نمودیم. تنها مناره های بلند هنوز پای برجایند. باقیمانده توده زباله ایست که توسط گله ای از چهارپایان برطرف میگرددند.“

آری، هرات آسمانی رنگ تیموریان را ویران نمودند، اما انگلیس هرگز نتوانست هرات را “بریتانوی” بسازد. ۱“

افسران نظامی انگلیسی اطراف شهر هرات تا ششصد قدم همه دیوار ها را ویران کردند و درختان را از ریشه برکنند. آنها مسجد و مصلاى هرات را که بیرون از حصار بود، به این توهم که روس ها توپ های خویش را بر سقف آنها بالا مینمایند و شهر را زیر آتش می گیرند، به زور باروت و نقب با خاک یکسان ساختند. ۲

بدینگونه مصلاى هرات را که بیانگر فرهنگ و تمدن چندین دوران و نشاندهنده صنعت و هنر مهندسی عصر های گوناگون آن بود، ویران و این شهر، هرات باستانی را از زیباترین میراث تاریخ پر جلالش محروم کردند.

محمد یوسف در کتاب عین الوقایع ، چاپ مشهد ۱۳۳۴ هجری قمری در صفحه ۲۳۶ مصلاى هرات را بدینگونه توصیف نموده است:

“این مصلاى هرات که به تصویب امنای انگلیس ویران شد، اول بنای معظم و عالی صفحات مشرق زمین بود که ردبان فکر و خیال به پایه آن منتهی میشد و غرفات مسجد و ایوان مقصوره آن را با کاشی های آبی و سبز منقش

کرده بودند، به طوری که اکنون هیچ استادی تدبیر فن آن را ندارد و هیچ معماری تصور نفیضش را نمی تواند و اصل بنیاد پنج مصلی بود، هرکدام از عهدی به قرار تفصیل یادگار بود .



مصلای اول را ملکان غور که به سلاطین "کرتیه" معروفند بنا نهاده اند، مصلای دوم را امیر تیمور کورگان ساخته بود، مصلای سوم یادگار سلطان حسین بایقرا است، دو مصلای دیگر را شاهرخ و سلاطین ازبک بنا نهادند و سلاطین اول صفویه به اتمام رسانیده بودند و به هر يك از آن مصلی ها صحن و ایوان و گنبدی با دو مناره مرتفع تعبیه شده بود، اما يك مصلی که از امیر تیمور کورگان بود، ایوان و غرفتش در عهد سلطان حسین صفوی شکست یافته بود که آجر آنرا آورده، چهارسوق و حوض هرات را ساخته بودند".

میر عبدالکریم بخاری که مصلی را از نزدیک به چشم خود دیده است در وصف آن چنین می نگارد:

”مصلی از هر جهت خوب حفاظت شده، قبه آن به بلندی به اندازه گنبد عثمانیه (مسجد نور عثمانیه) در قسطنطنیه (استانبول امروز) است و سقف آن از گل و برگ و نقشه های طلائی و لاجوردی و کاشی کاری پوشیده شده است.“^۳

بنای مصلای هرات که نه منار داشت در شمالشرق شهر قدیم هرات و متصل به قسمت غربی شهر نو موقعیت دارد. امیر علی شیر نوایی وزیر سلطان حسین بایقرا ، يك جامع و شفاخانه ای بزرگ با يك مدرسه و خانقاه نیز به نام اخلاصیه درین ساحه تأسیس نمود. اکنون مزار سلطان حسین میرزا در آنجاست و آرامگاه گورشاد بیگم با فرزندانش بایسنقر میرزا و جوگی میرزا در داخل گنبد سبز. امیر علی شیر نوایی نیز در همین محل به خاک سپرده شده است.

و سپس تخریب و ویرانی مصلی و بنا های ساحه آنرا توجیه گونه چنین درج دفترکارروائی پادشاه وقت نمودند:

“علیحضرت ضیاءالملته والدين امير عبدالرحمن خان بنا به پاره ملحوظات و مصالح مملکتی و ایجاب وقت از موقعیت و موجودیت آن صرف نظر نمود تا به وضع فعلی درآمد.“^۴

از یاد نمی بریم: این شعر مولانا گوهری را تاریخ هرات بار ها تجربه کرده است:

گر کسی پرسد ز توکز شهر ها خوشتر کدام
گر جواب راست خواهی گفتن او را گو: هری
این جهان را همچو دریا دان، خراسان را صدف
در میان این صدف، شهر ”هری“ چون گوهری ۵



رویکرد ها:

۱- *Seite 30-47 , Berlin 1964, Verlag Volk und Welt, Kreuzweg der Kulturen,*

Jan Mydral

۲- افغانستان در پنج قرن اخیر، میر محمد صدیق فرهنگ، ناشر احسان الله مایار، چاپ دوم، ویرجینیا، ۱۳۶۷

خورشیدی، ص ۲۷۲ و ۲۷۳

۳- تاریخ آسیای میانه، تألیف میر عبدالکریم بخاری، ترجمه فرانسوی شیفر، پاریس، ۱۸۷۶ میلادی، ص ۲۵۰

۴- راهنمای هرات، محمد ابراهیم رجائی، مطبعة دولتی هرات، اسد ۱۳۴۷، ص ۱۲

۵- خراسان بزرگ، دکتر احمد رنجبر، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۶۲

یادداشت:

* - سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (UNESCO) که به‌طور خلاصه یونسکو نامیده می‌شود، یکی از سازمان‌های تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد است که در ۱۹۴۵ تشکیل شد. هدف این سازمان کمک به صلح و امنیت در جهان از راه همکاری بین‌المللی در زمینه‌های آموزشی و علمی و فرهنگی به منظور افزایش احترام به عدالت و قانون‌مداری و حقوق بشر، بر پایه منشور سازمان ملل متحد است.

از ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد

با در نظرداشتن شرح فوق در زمان مورد نظر "یونسکو" اصلاً وجود نداشته تا به غرض استمداد، مردم افغانستان به طرف آن دستی دراز نموده باشند. ایکاش می‌شد فهمید منظور نویسنده از آن تذکر چه بوده است.

ویراستاران پورتال



